

آزادی موصل آخر کار نیست

تکنیک‌های پاک‌سازی به شیوه عدالت و توسعه

سیاوش رزمند

پس از سفر وزیر خارجه ایران به آنکارا بود که منعوبیت سفر شهروندان ایرانی به کشور تازه از بحران کودتارسته ترکیه لغو شد و تروهای مسافرتی می توانند از نو به پرتردین خط مسافرتی منطقه بپردازند. اما آیا همچنان باید بابت مسائل امنیتی با پسمادهای کودتا، نگارنی به خوردها دهیم؟ پاسخ این است که به احتمال قوی، دیگر خطری بالقوه تهدیدگران را نمی تواند تهدید کند وقتی تا همین لحظه هم «حزب طیاردوغان» تعداد زیادی را دستگیر یا از کار برکنار کرده است. نتیجه، با دیگران از ترس دستگیری پنهان هستند، یا اصلا دیگر کسی باقی نمانده است که بتواند خطری ایجاد کند. این طنز تلخی است که اینروزها ترکها با آن خورفته اند، «هاکان شوکور»، فوتبالیست افسانه ای، با هم بشود دستگیر کرد (جدا از اینکه او ایتالیایی نه چندان محبوبی با جنبش کول می داشت و تا چند سال پیش عضو حزب حکم عدالت تو توسعه بود). یعنی اینکه شاید رجب بدخلق همه شکایت هایش را به مصلحت ملی و پاسداشت «شهدا و دمورکاسی» پس بگیرد، اما عزم خود را برای ریشه کن کردن شبکه کول جزم کرده است. در حقیقت، جنبش کول جز در زمان طرفدارانش (با تخمین ضمی تا ۱۰ میلیون نفر) که در همه سازمان ها و ادارات کلیدی رخنه کرده است، از حیویتی در جامعه ترکیه برخوردار نیست و آن گونه که «احمد شیک» نام نهاده است «ارتش پیشوا» بیش از هر چیزی، به مشی سکتاریسم و دیدگاه های واپس گرانه ولی به شدت پیچیده اش شناخته می شود که با کنترل چندین نهاد مالی و بویژه آموزش در بسیاری از نقاط حساس سیاسی، نظامی و قضائی ریشه دوانده اند. امروز شبکه خدمت به شدت زیر ضربه است و با توجه به وضعیت جسمی نه چندان مساعد «حوجا افندی» و تحرکات اردوغان، پسر صوفی مسلک ساکن نوسولیانلی احتمالا همچنان تواناد به خواهی ارضی راضی نباشد؛ آن هم زمانی که همه جبهه ها متحمل شکست های سهمگین از سوی شریک قدیمی است که در همان دوران منافع مشترک در قدرت هم اطمینانی به آنها نداشت. پس از یوزه «رنگون» بسیاری از اعضای حزب عدالت تو توسعه نسبت به خطر جنبش کول هشدار دادند و خواهان اقدام از سوی اردوغان برای کنارزدن این جریان از مناصب قضائی و پلیس و وزارتخانه ها شدند. پاساژهای گسترده پس از کودتا در بهار ترکیه و بازگشت حکم اعدام و لغو کردن کنواسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا، باز ترجیع بندی اینکه این موارد خواست مردم ترکیه است، بخشی از یک بازی خطرناک است. همچنین شالی خوردن سراز وظیفه های بزرگترین نیروی زمینی ناتو، ارتشی که جنگ با شورشیان کرد، داعش و حفظ امنیت داخلی شکننده کشور را برعهده دارد، به مضحکه ای پیش چشم امنیت بدل شده است. اینکه در آینده نفوذ ارتش که همه نهادها نظامی و امنیتی ترکیه خود را چگونه باز خواهند یافت، آینده را روشن خواهد کرد، اما اینکه از کودتایی بدیرنامه یزیده و مضحک به فهرست های از پیش آماده شده و بزرگترین پاساژ تاریخ مدرن ترکیه (و به طور دقیق تر تمامی قریب قریب یکم جهان) برسیم، آن هم وقتی که بیرونی های با نشان دولت ابدالممدت عثمانی در جمععات مردمی به اهتزاز درآمده است، این را بسج خراب اردوغان است که باید در برابر تاریخ و خط خود به این سوال پاسخ دهد که ترک ترکیه چه خواهد رفت.

کودتای سبیلوها علیه صورت اصلاح کرده‌ها

سیل بخشی جدائیناپذیر از فرهنگ خاورمیانه و مدینه است و مردم ایران، عراق، سوریه، یونان، قبرس و ترکیه معمولاً از موهبت روباهان دریایی پشت لب در گذشتن و کم‌وبیش هم اینک بهره‌مند هستند. اما سبیل‌های سیبیل فقط زینت مردان بخشی از گرایش سیاسی او نیست، احتمالاً رارخه سیبیل یا آن گونه که ترک‌ها می‌گویند، «بوپک» در ترکیه به دوران «تنظیمات» در قرن نوزدهم بازمی‌گردد که ترک‌های عثمانی ریش تراشیدن و شلوار غربی به پا کردند و با فیتیه یا سر، رختی مدرن بر تن امپراتوری پوشاندند. اما امروز همان طور که «آلو اسکات» می‌گوید، ما همه دیدگاه‌های سیاسی، طبقه اجتماعی و حتی باورهای دینی ترک‌ها را می‌توانیم از سیبیل‌شان بخوانیم. جدای از این، می‌توانیم چهره «عبدالله الاولا»، معترض سیاسی ترک و ترکیه و چک‌پاری سرخ‌ت، را از سیبیلی گریزنازمتیک روی صورتش ببینیم که به‌قاعده، دیگر چک‌پاریان هم‌نسل او هم یا چنین سیبیلی داشته‌اند، یا همچنان آن را حفظ کرده‌اند. جوانان ترک هم که بار دیگر رو به سیبیل عثمانی آوردند. اما مهم‌ترین سیبیل‌ها در ترکیه امروز به هیچ‌کدام از این دسته‌ها تعلق ندارد. در سفر راولو اخیر اردوگاه به روسیه بار آشتی با مرد مقتدر کوبین بود که «مخوفی جاوش‌اغلو»، وزیر خارجه دولت، که به‌بنوعی غربی‌ترین چهره در قدرت اجرائی عدالت و توسعه محسوب می‌شود و برای سال‌ها طرف حساب اتحادیه اروپا برای مذاکرات الحاق بود، هم از سیبیل خود رونمایی کرد؛ همان نوع سیبیل آشنایی که روی صورت تقریباً اکثر مقامات سیاسی و حزبی «اکپارتی» وجود دارد؛ الله‌کله، رجب طیب اردوغان، بن‌علی ییلدیز، احمد داووداوغلو، نومان گوزتولמוש، اسماعیل کارامان (سیاسی از نام‌های دیگر، سبک سیبیل اعتدالی حزب در اصل نشان از اعتقاد آنها به دموکراسی محافظه‌کار با فراوانی عمل‌گرایانه و مدرن به اسلام دارد که درعین حال، در تقابل با ریش محافظه‌کاران سنتی از یک‌سو در تضاد با صورت‌های تراشیده مطلوب، پایه‌گذار جمهوری یعنی مصطفی کمال و صدا البته زلال‌های حافظ میراث لائسیسته در ارتش است. شاید این نظامیان اصل‌گرفته بودند که تاکنون را به خیابان‌ها آورده‌اند. اما سیبیل‌های حزب «عدالت و توسعه» فارسی‌مان از نام‌های این نشان‌شده، تکتک آنها را از خانه‌ها، پادگان‌ها و محل‌های کارشان بیرون کشیدند تا همان طور که هیتلر با به خاکستر نشان دادن «ایشان» قدرت خویش را تحکیم کرد، پریزیدنت اردوغان هم هوداران میلیونی‌اش را به «بنی‌قایی» استانبول بگشاید تا ترکیه در بدبینانه‌ترین شرایط عقب‌گرمی به دوران طلایی تنظیمات امپراتوری عثمانی کند که با معیارهای امروز جهان همچون چند من پشرو به حساب نمی‌آید. این نکته که افروز مردم از کودتا چونان تم قضای مردمی برای بازگشت حکم اعدام باشد و اردوغان هم تأکید کند به خواست مردم و رای پارلمان در این زمینه احترام خواهد گذاشت، در اصل پوپولیستی‌ترین خویش از دموکراسی است. سال‌های ابتدایی قریب سنت و یکم تا همین چندی پیش از اسلام‌ترین نمونه‌های ایستاده اقتصادی و سیاسی هم‌وطنی دموکراسی با درسخان پیش‌روی جهان به نمایش گذاشته بود.

یادداشت

در سال‌های اخیر آنچه بیش از هر چیزی اهتمام مسئولان و فرماندهان عراقی را به خود جلب کرده است، جنگ با تروریسم و نماد آن داعش بوده، اما امروز با به‌شماره افتادن نفس‌های داعش در عراق، نگرانی‌های دیگری نمود پیدا کرده است؛ نگرانی‌هایی که کم از حضور داعش نیست و خبر از درگیری‌هایی احتمالی بین خود عراقی‌ها می‌دهد. کردهای پیشمرکه در خطوط دفاعی اطراف «تیشخورماتو» خود را پشت کیسه‌های شنی پنهان کرده‌اند و سیم‌های خاردار در سراسر خط دفاعی متعلق به نظامیان شیعی، که ظاهراً متحد کردها در جنگ علیه داعش هستند، پدیدار شده است؛ اما اینکه آیا اتحاد آنها در مقابل داعش دوام می‌آورد یا نه هنوز محل سؤال است.

هم‌زمان با آرامش شکننده‌ای که در طوزخورماتو و اطراف آن جریان دارد، حمله به شهر موصل، نبرد داعش در عراق، تا پایان سال، محتمل است. اگر جنگ کوچک و پیش برود، شکست خلیفه خودخوانده عراق دست‌کم در مناطقی که تحت اشغال و کنترل دارد، ممکن خواهد بود و حالا برای این پیروزی جدید و جویبار احتمالاً درگیری‌های جدیدی وجود دارد. در دو سال گذشته، پیش‌نمره‌های کاری نیروهای ارتش عراق، شبه‌نظامیان شیعه و برخی از سنی‌ها از اختلافات قدیمی خود برای مقابله با تهدیدی که با آنان مواجه شده‌اند، چشم پوشیدند، اما دشمنی و راضایتی بر سر مسائل اساسی مانند شریک قدرت، زمین، پول و نفت هنوز کل نشده است.

فضای درگیری‌های فعلی
مشکلات موجود را با مناقشه‌های
اتمسالسی و دشواری ترکیب
می‌کند. در میان این مشکلات
می‌توان به سوالاتی در این باره اشاره
کرد که چه کسی مناطق آزاد شده
از دست داعش را و چگونه اداره
خواهد کرد. بزید سابق، تحلیلگر
رومیانه، در این باره می‌گوید:
زمانی که در مقابل داعش اعلام
پیروزی کنید آن موقع با مشکلاتی
مواجه می‌شوید که در واقع همان
سبب اولی بروز و ظهور داعش
هستند. به راضیاتی سنی‌ها که به
شبه‌نظامیان داعش برای سطره
بخش‌های وسیعی از عراق
کمک کرده بود، توجهی نمی‌شود
و همین خطر جدایی و شورش را
که بیشتر به ظهور داعش ختم شده
بود، تشدید می‌کند. در اینجا شاهد
جنگ میدانی پیچیده و درهم
هستیم که به‌سادگی می‌تواند پس
از شکست داعش به درگیری‌های
جدیدی تبدیل شود. با این تفاسیر،
جنگ موصل احتمالا فقط شرایط
را پیچیده‌تر می‌کند. برای اولین بار
از زمان آغاز جنگ علیه داعش،
همه جریان‌ها شامل پیشمرگه‌های
کرد، حشد شعبی و گروه کوچکی
از نیروهای قبایل سنی، تعدادی از
نظامیان سنی و نیروهای آمریکایی
علیه این گروه تئورستی در عملیات
موصل شرکت می‌کنند.
با وجود اینکه اکثریت شهر
موصل سنی هستند، شهرهای
اطراف آن تنوع قومی و نژادی دارد
و هر یک از آنها نسبت به شرایط پس
از آزادسازی نظر خاصی دارند.
سخنگوی حشد شعبی می‌گوید:
عراقی‌ها امید دارند بتوانند از
درگیری‌های جنگی جلوگیری کنند.
ما پس از داعش کارهای بسیاری
برای انجام داریم که راحت‌تر از
قبلی با داعش نخواهد بود، اما
مشکلات پیش‌رو و جنگ آخرین
گزینه‌هاست، چرا که ما دیگر حاکمان
از جنگ به هم می‌خور.



عكس: رنج عبد الله

گفت وگویی «شرق» با «برهم احمد صالح»، از مسئولان اتحادیه میهنی کردستان

سیستم سیاسی خاورمیانه باید اصلاح شود

که این قربانی‌ها و نیرویی که برای نابودی داعش صرف شده و می‌شود، به هدر نرود، پس لازم است این مسئله مایه صلح و آشتی همیشگی و ثبات در عراق شود.

مسلمانان مردم کردستان دارای حق تعیین سرنوشت خویش هستند و این یک حق کاملاً طبیعی و قانونی ملت‌هاست. از این رو رهبری کرد باید با عزمی جدی در بغداد این مسئله را کاملاً تعیین تکلیف کند و نوع ارتباطات کردستان و بغداد و پیروی از نقشه راهی دوازده ساله را اساسی مسائل را در برنامه خود قرار دهد. اتوماد ارتباطات جست‌وجوگرانه با بغداد به شکل فعلی به ضرر اقلیم و مسلمانان و نیزان عراق است، این آشفتگی وضعیت فعلی به رشد فساد و ضعف امنیت و نبود ثبات سیاسی و اقتصادی انجامیده است، این گفت‌وگو و توافق باید در بغداد صورت بگیرد نه هیچ پایتخت دیگری، نه آنکارا، نه تهران و نه واشنگتن. بغداد برای کردها اهمیت قابل توجهی دارد و برای ما مهمترین پایتخت و مرکز است. مسلمانان می‌خواهند در مورد تعیین چارچوبی مناسب برای داشتن زندگی و مسالمت‌آمیز گروه‌های مختلف عراقی براساس مقابله با افراط و تفریط، در راستای استفاده مشترک از اقتصاد درهم‌تنیده و مکمل، همچنین با هدف مشارکت در قدرت و ولایه‌های حکومت با رعایت عدالت و توازن، به توافق برسیم. زمان آن فرا رسیده که این گفت‌وگو با حسی مسئولیت‌پذیری و با هدف حل اساسی این مسائل شکل بگیرد و از چرخه معیوب عبور از یک بحران و ورود به دوران عمیق‌تر، دوری جست و وارد دوران ثبات و امنیت یابدار شویم.

✚ به نظر شما داغش در منطقه چه سرنوشتی دارد؟ این سوال را از آن جهت مطرح می‌کنم که قبلاً به دست‌پاچه به عوامل شکل‌گیری داغش اشاره کرده بودید، آیا دولت‌های منطقه و به‌ویژه دولت و سیستم سیاسی عراق، برنامه‌ای برای خاکشدن ریشه‌های گروه‌هایی شبیه داغش دارند؟

داعش نتیجه مجموعه عوامل مختلفی است؛ مانند ظلم و ستم و فساد، در سیستم‌های حکمرانی منطقه، ناامیدی مردم به‌ویژه جوانان، تفکر افراطی و تک‌گفیری، بازی چندین پایتخت منطقه‌ای و جهانی با کارت افراط‌گرایی در راستای تأمین منابع دولت‌هایشان، از افغانستان به عراق و سوریه و... اینها عوامل رشد این متاعف هستند که از اساس تهدیدی برای ملت‌های مسلمان هستند چون تحت لوای نام مقدس اسلام کار می‌کنند. این مسئله در واقع از بُعد امنیتی و انتحاری داعش خطرناک‌تر است، تهدید بزرگ‌تر سرچشمه‌های فکری و ایدئولوژیک و مسیر منحرف و فریادگانه است و فقط مسئله سازماندهی و تشکیلات داعش نیست، سوریه را ببینید، فقط داعش نیست که حضور دارد، تجربه‌های کثرت که همان القاعده است و نیروهای مشابهش، نته‌ها برای سوریه بلکه برای کل منطقه تهدید هستند.

دروحال حاضر تمرکز بر مقابله نظامی و امنیتی با داعش است، اما بااطمینان می‌گویم اگر برای عوامل اساسی چاره‌اندیشی نشود، باز چنین جریان‌های بروز پیدا می‌کنند؛ حتی به شیوه‌ای خطرناک‌تر. مهم‌تر از همه، شریعت حکمرانی است که جای امنیت و توجه دارد، شریعت براساس توافق سیاسی همه‌جانبه و عدالت و مقابله با ترور و خشونت.

بعد از آزادی موصل و پایان دادن به قدرت نظامی داعش، پرداختن به مجموعه‌ای از مسائل سیاسی غیرقابل اجتناب است و لازم است که همه ما برای پاسخ به نیازهای مقطع جدید آماده باشیم. واقعیت این است که عراق با مشکلات اساسی دست‌وپنجه نرم می‌کند و نمی‌توانیم به شکل فعلی برای گذر از این وضعیت، از یک بحران به بحران عمیق‌تری وارد شویم و به وضعیت این چنینی تداوم بخشیم.

لازم است مردم عدالت و رعایت قانون را حس کنند نه اینکه در ناامیدی، صید و فتاویٰ تکفیری برای قتل عام دیگران شوند یا خود ازار گروه‌های تندرو شوند که با عملیات انتحاری خود و دیگران را به نابودی بکشانند.

باید سیستم سیاسی و امنیتی خاورمیانه اصلاح شود تا نیروهای منطقه‌ای در عمل برای مقابله با افراط و احترام به حقوق ملیت‌های منطقه همکار هم باشند. نه اینکه هر سمت فکر کند تهدید را در حیاط همسایه می‌اندازد، چون نهایتاً همان تهدید به دست آنها آمده و تبدیل به تهدیدی برای همان می‌شود.

بحران سوریه برای تمام منطقه تهدید است و حتی برای جهان نیز. درحال حاضر داعش و گروه‌های مشابه داعش، برای شیعیان، اهل سنت، کردها، اعراب، برای عربستان، ترکیه، ایران، آمریکا، روسیه و اروپا تهدید هستند. بازی استفاده از تروریسم و افراط، بازی خطرناکی است که برای همه زان بدن‌بال دارد، برای همین برای ازبین بردن داعش، لازم است پایتخت کشورهای مؤثر بین‌المللی، کشورهای صاحب نفوذ منطقه‌ای، به‌ویژه ایران، عربستان، عراق، ترکیه و مصر با یافتن چارچوب مناسب برای مقابله امنیتی و فکری با این فرصت فراگیر همکاری و با هم در این راستا تلاش کنند.

الاهر و مراکز اسلامی، با همکاری نجف و قم لازم است فعالیت جدی برای مقابله با تکفیر و تندروی و جدایی اسلام از این جنایت‌کاران انجام دهند. نابودی داعش دشوار است، اما زود یا دیر، از لحاظ نظامی نابود خواهد شد. تفکر تکفیری و ضدانسانی و داعشیسم باید نابود شود. از طریق همکاری امنیتی، همچنین با قوه مقابله فکری و دینی و با راه‌حل سیاسی و اصلاح سیستم حکومت‌داری و برقراری عدالت و حفظ کرامت انسانی.



سامان سلیمانی

اتحادیه میهنی کردستان عراق یکی از جریان‌های مهم و تأثیرگذار در سطح کردستان، عراق و منطقه است. مؤسس و دبیرکل آن، «جلال طالبانی» است. از مشخصه‌های صاحب‌نام عرصه سیاست است که همواره به اهل گفت‌وگو و اشتقاقی و راسخ و تردیدپنازی داشته است. سوسیال و دموکراتیک و اتحادی‌اندیشی میهنی نیز همواره به این راه و مسیر پایبند بوده‌اند. یکی از کسانی که می‌توان او را دانش‌آموخته مکتب ملام جلال دانست، بدون شک «برهم صالح» است. دکترای آمار و کامپیوتر از دانشگاه «لیورپول» بریتانیا و از شخصیت‌های صاحب نفوذ کرد است. برهم صالح به‌عنوان یکی از رهبران ارشد اتحادیه میهنی، هفته گذشته در رأس هیأتی، به ایران آمد و در گفت‌وگوهایی با مقامات بلندپایه ایرانی، به بررسی وضعیت آخرین وضعیت کردستان عراق و منطقه پرداخت. برهم صالح همچون ملام جلال، گفته‌هایش با شیوخی و مزاج درهم آمیخته است و اهل دیپلماسی خنده است؛ دیپلماسی‌ای که شاید جلال طالبانی بدیع و مبتکران بوده است. او در این گفت‌وگو به مسائلی اشاره دارد که برای وضعیت فعلی کردستان، عراق و خاورمیانه اساسی است. برهم صالح علاوه بر اینکه در دولت عراق وزیر برنام‌ریزی و در مرحله معاون نخست‌وزیر بوده، مدتی نیز نخست‌وزیر اقلیم کردستان بوده است.

یکی از مسائلی که مدت طولانی به درازا کشیده و حل نشده، بحران داخلی اقلیم کردستان از جمله فعالیت نداشتن پارلمان و مسئله ریاست اقلیم کردستان است که این مسائل، بحران‌های دیگری نیز به دنبال داشته، براساس تلاش‌های اخیر و مذاکرات میان طرفین، به نظر شما این مسائل به چه سمتی می‌رود؟

متأسفانه مدتی است مشکلات سیاسی اقلیم کردستان تداوم دارد و این مسائل تأثیرات منفی بر زندگی و شرایط اقتصادی مردم گذاشته و همچنین تصمیم‌گیری سیاسی در مورد مسائل مهم مرتبط با عراق را دچار بن‌بست کرده است. تنها راه حل ممکن، توافق بر اساس احترام به خواست و منافع مردم با تکیه بر برنامه اصلاحات اساسی در سیستم سیاسی کردستان و اجرای عدالت و توجه به رفاه مردم است. اقلیم کردستان منطقه‌ای آرام و پیشرفته بوده و محرومیت مناسبی برای آرامش سیاسی عراق و منطقه دارد. تداوم این مسائل بر مردم کردستان، عراق و منطقه تأثیرات منفی خواهد گذاشت.

آیا تلاشی برای حل مسائل مابین اقلیم کردستان و بغداد دیده می‌شود؟ و هر دو طرف تمایلی برای حل مسائل دارند؟

مجموعه‌ای از تلاش‌ها صورت می‌گیرد، اما متأسفانه با توجه به حجم مسائل

یکی از مسائلی که انتظار می‌رود در آینده‌ای نزدیک رخ دهد، عملیات آزادسازی موصول است، گردها برای مشارکت در این عملیات، برنامه مشخصی دارند؟

نمی‌توانیم میزان خشونت و درنده‌خویی داعش را دست‌کم بگیریم، اما با توجه به دفاع و مبارزه نیروهای عراقی و همچنین حمایت دوستانمان، داعش به سمت شکست می‌رود، آزادسازی موصل، ضربه‌ای اساسی و کمرشکن به داعش

وارد خواهد کرد و نقطه مهمی برای پایان دادن به فعالیت‌های تروریستی داعش است، به‌همین دلیل تمام جناح‌ها و گروه‌های سیاسی عراقی با این مسئله مرتبط هستند و نیروهای پیشمرگه در این زمینه با نیروهای دیگر عراقی و هم‌پیمان در

۴ بعد از آزادی موصل، آینده عراق و نحوه ارتباط میان اقلیم کردستان و بغداد را چگونه می‌بینید؟ خود شما قبلاً به این مسئله اشاره کرده‌اید که بعد از آزادی موصل، نقش کردها بسیار مهم است؛ آیا کردها، برای عراق بعد از آزادی موصل برنامه‌ای دارند؟

بعد از آزادی موصل و پایان دادن به قدرت نظامی داعش، پرداختن به مجموعه‌ای از مسائل سیاسی غیرقابل اجتناب است و لازم است که همه ما برای ساختن به نیازها مقطع جدید آماده باشیم. واقعیت این است که عراق دچار یک پساخش اساسی دست‌وپنجه نرم می‌کند و نمی‌توانیم به شکل فعلی برای گذر از این وضعیت، از یک بحران به بحران عمیق‌تری وارد شویم و به وضعیت این چنینی تداوم ببخشیم.

پس لازم است برای حل بنیادین این مشکلات اقدام کنیم، مردم عراق شایستگی وضعیت بهتری دارند و بحق نیز چنین توقعی دارند. لازم است در سریع‌ترین زمان ممکن، تمام گروه‌های سیاسی عراقی، در بغداد وارد گفت‌وگو

و مداره مستقیم شود و به این واقعیت واقف باشیم که دغش و دوهانی و ممشابشهش تهدیدی مستقیم برای همه ما هستند، پس وظیفه همه ما حل اساسی و نه بنیادین و کامل این مسئله است تا باری دیگر داعش دیگر سر بر نیاورد. داعش قربانی و پیروان و حامیان و ارتش عراق، همه را مقابله با داعش قربانی کرده و داده و می‌چکند و انشاءالله با رشادت و همکاری همه این نیروها با حمایت دوستانمان، داعش کنونی نابود می‌شود، اما نکته مهم و حائز اهمیت این است